



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

عامل، کلبه، فوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۱۸۶

شنبه ۲۶ مردادماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۲۵

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز یکشنبه ۱۹

امردادماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- معرفی آقای دکتر ملک اسمعیلی به معاونت وزارت دادگستری بوسیله آقای وزیر دادگستری
- ۳- بیانات آقای دکتر سنجابی راجع بجزایر معاکمه و رأی دیوان دادگستری بین المللی در مورد دعوی بی اساس دولت انگلستان
- ۴- سؤال آقای قنات آبادی راجع به تعقیب مسببین واقعه ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱
- ۵- طرح لایحه تقاضای یکماه تمدید حکومت نظامی در طهران
- ۶- ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس یک ساعت و بیست دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای مهندس احمد رضوی (نایب رئیس) تشکیل شد

۱- تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - جلسه رسمی است.

غائبین - جلسه قبل قرائت می شود

(بشرح ذیل بوسیله آقای ناظرزاده قرائت شد)

غائبین با اجازه آقایان : دکتر حسین فاطمی - محمود جلیلی - امامی اهری - اورنگ - زهری - راشد

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر طاهری - تولیت - میراشرافی - دکتر امامی - فتعلی افشار

نایب رئیس - نسبت بصورت مجلس

جلسه قبل نظری هست ؟ آقای وکیل پور .

وکیل پور - در صورت جلسه

گذشته نسبت بعروض بنده یک اشتباهاتی

شده که تصحیح میکنم و میدهم به اداره

تندنویسی . دیگر اینکه میخواستم حضور

ریاست محترم عرض کنم رادیو نطق

های آنهایی را که یادداشت میکرده اند

کامل نمیگویند و حتی رؤس مطالب را هم

نمیگویند از مخبرین جراید تقاضا دارم

که توجه فرمایند که اصول مطالب منتشر

شود یا اصلاً منتشر نشود که تحریف بشود .

نایب رئیس - آقای خلخالی راجع

بصورت جلسه فرمایشی دارید؟

خلخالی - بله - درعروض بنده هم یک

اشتباهاتی شده بود که قبلاً به تندنویسی دادم

و میخواستم عرض کنم که نطق بنده را سانسور

کردند و در روزنامهها و رادیو منتشر نشد

و تصور میکنم مطالبی که عرض کردم در

صحتش تردیدی نباشد و در ضمن تلگرافاتی

هم هست مبنی بر پشتیبانی از دولت آقای

دکتر مصدق که تقدیم میکنم و بعداً

تلگرافاتی که می رسد بدون تذکر تقدیم

میکنم .

نایب رئیس - روزنامهها و وظیفهشان

اینست که نطق نمایندگان را بدون تبعیض

و تحریف درج کنند کلمه سانسور را هم که

فرمودید باید جنابعالی توجه فرمائید که در

مملکت ما هیچوجه سانسور وجود ندارد (صحیح

است) در صورت جلسه نظری نیست (گفته

شدخیر) صورت جلسه قبل تصویب شد . آقای

دکتر سنجابی فرمائید

شمس قنات آبادی - نطق قبل از

دستور چه شد؟

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه

فرمایند آقای دکتر سنجابی اجازه صحبت

طولانی خواسته اند خواهش می کنم

بآقای دکتر سنجابی اجازه بدهید که

قبلاً استفاده کنند

امامی اهری - اجازه فرمائید آقای

وزیر دادگستری معاونشان را معرفی

فرمایند .

۲- معرفی آقای دکتر ملک

اسمعیلی به معاونت وزارت

دادگستری بوسیله آقای

وزیر دادگستری

نایب رئیس - آقای وزیر دادگستری

وزیر دادگستری (آقای لطفی) - آقای

دکتر عزیزالله ملک اسمعیلی را که دارای

سوابق ممتدی در دادگستری میباشد و

دکتر در علم حقوق هستند بسمت معاونت وزارت دادگستری معرفی میکنم (نمایندگان - مبارک است)

۳- بیانات آقای دکتر

سنجابی راجع بجزایر

معاکمه و رأی دیوان

دادگستری بین المللی

در مورد دعوی بی اساس

دولت انگلستان

نایب رئیس - آقای دکتر سنجابی

دکتر سنجابی - آقایان نمایندگان

محترم : برای بنده کمال افتخار و خرسندی

حاصل است که برای اولین دفعه ای که از

این تریبون بعنوان نماینده مجلس شورای

ملی استفاده میکنم در مورد عرض گزارش

راجع بخدمت و مأموریتی است که سهمی از

افتخار آن نصیب بنده شده است و مزایا و

فواید آن برای ملت ایران بر عموم آقایان

نمایندگان محترم معلوم است بخوبی آقایان

توجه دارند دعوائی که بنام دعوی نفت جنوب

بتقاضای دولت انگلیس و بطرفیت دولت

ایران در دیوان بین المللی دادگستری لاهه

مطرح بود یکی از بزرگترین دعاوی ،

یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل بین -

المللی روز بود شاید بدون اغراق باشد که

عرض کنم که در تاریخ تشکیل دیوان بین -

المللی چه دیوان دائمی دادگستری سابق

و چه دیوان دادگستری فعلی تا کنون دعوائی

باین اهمیت و این اعتبار مطرح نشده است

بنا بر این میشود این را بزرگترین

دعوائی دانست که در تاریخ این دادگاه در

آن مطرح شده است هم از لحاظ اقتصادی

و هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ حقوقی این

دعوی مهمترین دعوائی بوده است که تا

کنون مطرح شده از لحاظ اقتصادی و مالی

عین مذاکرات مشروح بیست و پنجمین جلسه از دوره هفدهم قانونگذاری

اداره تندنویسی و تحریر صورت مجلس

گفتی است عرض کنم که مدعی به این دعوی چند صد میلیون دلار بوده است از لحاظ اقتصادی لاقابل بر طبق میزانی که در سنوات اخیر بر حسب صورتی که شرکت سابق نفت ایران میگرد در سال در حدود ۳۰ میلیون تن نفت استخراج و صادرات میشد بوسیله این ماده حیاتی صنعتی کارخانه های عظیم صنعتی کشتی های بزرگ کارخانجات مختلف بزرگ در حرکت و گردش بوده همین امر میزان اقتصادی و مالی این دعوی را آفتابان توجه دارند که در پشت سر شرکت نفت جنوب دولت انگلیس قرارداد است (که به - شرکت سابق بفرمائید) و این شرکت بقول آقای شرکت سابق که الان از لحاظ دولت و ملت ایران شرکت معدوم و مفقودی است (صحیح است) در حقیقت یک شرکت استعمازی بود میشود از جهاتی آنرا تشبیه کرد به شرکت هند شرقی که سابقاً به هندوستان حکومت داشت و مقدمه آن اوضاع و احوالی که میدادند در هندوستان شد شرکت نفت جنوب سابق با شرکت های دیگری ارتباط داشت و در همین حدود خاور میانه بطوری که آقایان میدانند امتیازات نفت دیگری وجود دارد که دولت های بزرگ همه باین مسائل مربوط و مرتبط هستند بنا بر این نه تنها انگلستان خودش را در پشت سر شرکت سابق ذی نفع در این موضوع میدانست بلکه بطور غیر مستقیم بعضی دیگر از دولت ها در حوالی حوزه شرکت سابق دارای امتیازات و منافعی بودند خود را ذی نفع میدانستند و در ظاهر یاد ر باطن و پس پرده با شرکت سابق حامی آن شرکت همراهی و کمک میکردند و این موضوع یک صورت بین المللی بزرگی باین امر و این دعوی داده بود و قضیه باین صورت در آمده بود از یک طرف بکوه صفت استعماری یا شبه استعماری در این حوزه موجود بوده که دولت هائی که در آن ذی نفع بودند میخواستند باین نواحی این وضعیت را حفظ کنند و از طرف دیگر بکنه قضیه بزرگ ملی در یکی از این کشور های یعنی در کشور عزیز از جنس ما برپا شده بود که طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین المللی که موافق تصدیق و قبول همه دولت ها است و اغلب دولت ها در مغرب و مشرق دنیا استفاده کرده بودند باین منبع بزرگ ملی خود را که نفت است ملی کرده بودند این موضوع مطرح بود که آیا یک دولت و ملت واقعا و حقیقه آن طوری که منشور ملل متحد بیان کرده و آن طوری که حقوق بین المللی بر آن مبتنی است می تواند از این حقوق و اختیارات خودش استفاده کند یا بیک و سائل دولت های بزرگ میتواند از حق ملل از حق توسعه کبیت این امر بکسورت سیاسی بین المللی بزرگی داده بود که دولت های ذی نفع و سایر دولت و ملت های تشنه آزادی در غرب و مشرق

دینا متوجه آن شده بودند میخواهم عرض کنم که اهمیت و اعتبار فوق العاده ای که این موضوع پیدا کرده بود بیشتر از نظر سیاسی بود از لحاظ حقوقی مطلب بسیار بسیار روشن بود زیرا چه از لحاظ صلاحیت و چه از لحاظ ماهیت در واقع و حقیقت امر هیچ نوع اشکالی موجود نبود از لحاظ صلاحیت بر طبق اصول بطوری که بعداً عرض خواهم کرد مطلب خیلی روشن بود که دیوان بین المللی صلاحیت رسیدگی باین امر را ندارد از لحاظ ماهیت هم بهمان اندازه واضح و روشن بود و هست که دولت و ملت ایران مثل هر دولت مستقلی این قرارداد را که یکی از منابع مواد اولیه خود را صنایع خودش را ملی بکند و بوسیله یک اداره دولتی در دست بگیرد دولت ایران در این کار هیچ امر خلاف قاعده حقوق بین المللی انجام نداده و از لحاظ ماهیت هم کوچکترین ایرادی بدولت و ملت ایران نیست و وارد کرد نیست همانطور که دولت های دیگر بصورت های مکرر در سنوات اخیر از این حق خودشان استفاده کرده اند و صنایع مهم و معادن مهم را ملی کرده اند ملت ایران هم نفت خود را ملی کرده بهمان ترتیب عمل کرده راه رسیدگی بدعاوی و غرامات حق ای که شرکت سابق میتواند داشته باشد بطور عادلانه و صحیح پیش بینی کرده بنا بر این امری مخالف قانون صورت نگرفته ضبط اموال و مصادره نشده و پیش بینی غرامات هم بطور مستقیم بعضی دیگر از دولت ها در حوالی حوزه شرکت سابق دارای امتیازات و منافعی بودند خود را ذی نفع میدانستند و در ظاهر یاد ر باطن و پس پرده با شرکت سابق حامی آن شرکت همراهی و کمک میکردند و این موضوع یک صورت بین المللی بزرگی باین امر و این دعوی داده بود و قضیه باین صورت در آمده بود از یک طرف بکوه صفت استعماری یا شبه استعماری در این حوزه موجود بوده که دولت هائی که در آن ذی نفع بودند میخواستند باین نواحی این وضعیت را حفظ کنند و از طرف دیگر بکنه قضیه بزرگ ملی در یکی از این کشور های یعنی در کشور عزیز از جنس ما برپا شده بود که طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین المللی که موافق تصدیق و قبول همه دولت ها است و اغلب دولت ها در مغرب و مشرق دنیا استفاده کرده بودند باین منبع بزرگ ملی خود را که نفت است ملی کرده بودند این موضوع مطرح بود که آیا یک دولت و ملت واقعا و حقیقه آن طوری که منشور ملل متحد بیان کرده و آن طوری که حقوق بین المللی بر آن مبتنی است می تواند از این حقوق و اختیارات خودش استفاده کند یا بیک و سائل دولت های بزرگ میتواند از حق ملل از حق توسعه کبیت این امر بکسورت سیاسی بین المللی بزرگی داده بود که دولت های ذی نفع و سایر دولت و ملت های تشنه آزادی در غرب و مشرق

واقعا آنطوریکه تصور میشد بیک شکستی مواجه میشدند یا بجهت دیگری نمیتوانستند در این امر شرکت کنند شاید موجبات و وسائل دفاع آنطوریکه در آنجا برای ما فراهم شد فراهم نمیشد اول توجه خدا بود و عامل دوم عوامل اصلی حقانیت ملت ایران بود که بر طبق اصول قانونی و حقوقی کوچکترین ایرادی بآن نمیشد گرفت و قاضی میباید بیش از اندازه بی انصاف و دور از انصاف و عدالت باشد و قوانین و قواعد بین المللی و اساسنامه خودشان و منشور بین المللی را پایمال کنند که یک قرارداد وحشی بر علیه ملت ایران صادر کنند مطلبی که باید در اینجا در حضور نمایندگان عرض کنم دقت پاکی و عدالت طلبی قضات دیوان دادگستری است ما از این دادگاه وحشت داشتیم و ما وقتی با آنها مواجه شدیم مخصوصاً بنده که ست قاضی اختصاصی ایران را داشتم و در تمام جلسات خصوصی قضات شرکت میکردم دیدم که غالب قضات دیوان دادگستری از عالمترین و متشخصترین و برجسته ترین مردمان روی زمین مردمان بسیار عادل و با انصاف و مهربان و رؤف و واقعا متوجه وظیفه قضائی خودشان هستند و با نهایت عدالت میخواهند حکم صادر کنند و مسائل سیاسی و جهات دیگر را در امری که جنبه حقوقی دارد وارد نمیکنند عدالتخواهی این قضات مسلماً عامل مهمی بود و در پیروزی ما تأثیر بزرگی داشت (گریبی - البته آنها نمی که رأی دادند) به اکثریت قضات بطوریکه حضور آقایان عرض شده است ما سعادتمند بودیم که یک وکیل مدافع بسیار علاقمند و بسیار مریز پیدا کردیم که واقعا با نهایت علاقه با نهایت وجدان مثل یک امری که نه تنها وظیفه و کالتی او بود بلکه از روی علاقه و وجدان در اینکار اقدام کرد و عواملی که بنظر بنده موجب این پیروزی بزرگ ملت ایران شده در درجه اول توجهات الهی است (صحیح است) مادر این مدت مکرر احساس کردیم که گاهی توجه و عنایات الهی بیش از آن موجب شده است که ما وسایل تهیه کردیم (صحیح است) در عین اینکه موجبات تومیندی برای ما فراهم بود در عین اینکه احساس میکردیم که ممکن است مملکت دچار محظورات بزرگی شود در عین حال یک ترتیبی دیدیم که عنایت خدا شامل حال ملت شده و موجب رهایی و نجاتش شده در این موضوع هم عنایت الهی شامل حال ما بود و وسائل را مثل اینکه بخودی خود توجهات الهی فراهمی کرد یکی از جهاتی که من این را عنایت الهی میدانم قبول جناب آقای دکتر مصدق بود برای عزیمت بلاهه و شرکت کردن خودشان و دفاع ایشان بود شخصاً از این امر زیرا اگر

رسیدگی بماهیت دولت ایران اظهار میداشت که دیوان دادگستری صلاحیت رسیدگی باین موضوع را ندارد بطوریکه آقایان اطلاع دارند صلاحیت دیوان بین المللی در حدودی است که دولت ها بموجب اعلامیه هائی که صادر کرده اند آنرا شناخته اند دولت ایران بموجب اعلامیه مخصوصی که بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است صلاحیت دیوان را شناخته است و دولت انگلستان هم بموجب اعلامیه دیگری این صلاحیت را شناخته است و حدود صلاحیت دیوان برای رسیدگی بدعاوی بین انگلیس و ایران در حدودی است که بموجب این اعلامیه معین شده دولت ایران اظهار میگرد که طبق این اعلامیه ما دادگاه صلاحیت رسیدگی باین امر را ندارد و بعلاوه متوسل بماده دوم بندهقم از منشور ملل متحد میشد که بموجب آن اعلام شده بود که مقررات منشور ملل متحد اجازه نمیدهد که سازمان ملل متحد هیچوجه دخالت در امری کند مخالف اساسی یکی از عوامل اساسی پیشرفت ما بود دیگر اینکه باید عرض کنم که و آلائی مدافع دولت انگلستان با اینکه تمام دقت و مراقبت را داشتند و مثلاً پیش ازده هزار کلمه برای تفسیر یک کلمه صحبت کردند معذک در طرز بیان و صحبتشان خودخواهی بود که اینهم شاید موجب تأسوس و در قضات میشد همه این عوامل برای پیشرفت دعوی ما دست بهم داد و خوشبختانه به نتیجه ای که آقایان استحضار پیدا کردند رسید - اکنون برای اینکه آقایان قدری از جریان این دعوی اطلاع داشته باشند لازم میدانم مختصری از دعوی و جریان آن بعرض برسانم آقایان میدانند که ادعای دولت انگلیس این بود که دولت ایران نقض حقوق بین المللی را نموده است و برخلاف عهدنامه ها و قراردادهای رفتار کرده برخلاف قرارداد امتیازی که دولت انگلیس میخواست بآن صورت بین المللی بدهد عمل کرده و امور یک شرکتی را غصب و مصادر کرده و از احقاق حق سر بیچی کرده و حاضر بدادن غرامت نشده و از این لحاظ از دیوان لاهه میخواست که ایران را محکوم بکند که اولاً اموال شرکت را بشرد و شرکت بر گرداند و شرکت را آزاد در انجام عملیاتش بر طبق آن قرار داد امتیاز بکند و خسارات و غرامات وارده را با تسلیم نماید دولت ایران در مقابل این ادعا و اظهار داشت اولاً راجع بماهیت باختصار میگفت که دولت ایران از حق خودش استفاده کرده از حق که حقوق بین المللی بهر دولت و ملت مستقلی راجع بملی کردن صنایع و منابع خودش داده است استفاده کرده برخلاف حقوق بین المللی رفتار نکرده و نقض حقوق بین المللی نکرده و از پرداخت غرامات عادلانه هم امتناعی ندارد و بعلاوه مخصوصاً از لحاظ صلاحیت و بعنوان رد صلاحیت قبل از

گرفته است بنا بر این تمام قرارداد هائی که قبل از ۱۹۳۲ بود و دولت انگلستان بآنها استناد میکرد مورد بحث و اعتبار نشد بعد دولت انگلستان توسل بقرارداد امتیاز ۱۹۳۳ - کرده بود و میگفت این قرارداد دوجنبه دارد یعنی دوجنبه است از یک طرف یک قرار داد و امتیاز است که دولت ایران بیک شرکت کتی داده و از طرف دیگر چون در شورای جامعه ملل سابق مطرح شده و یک اختلاف بیک دعوائی باین دولت ایران و دولت انگلستان در ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ ایجاد شده بوده در نتیجه میانجیگری جامعه ملل این قرار داد امتیاز دوم داده شده و بیک صورت بین المللی یک صورت بین دولت پیدا کرده و بنا بر این مثل این است که دولت ایران یک تعهدی در مقابل جامعه ملل بگردن گرفته باشد که مواد این قرارداد امتیازی که با شرکت سابق بسته رعایت بکنند دادگاه با توضیحاتی که دولت ایران و وکیل مدافع ایران داد که از آن جمله باید عرض کنم خود رئیس دادگاه که در این مورد ریاست نمیکرد یعنی قاضی انگلستان که با دلایل بسیار موجهی اظهار داشته که هیچوجه این تشریفات که در جامعه ملل سابق انجام شده بیک موضوعی که یک قرار داد بین یک دولت و یک شرکت خصوصی بوده است و جزء قرارداد های داخلی است صورت بین المللی و قرارداد بین دو دولت نداده و این قرارداد یک قرارداد حقوق خصوصی است و دولت انگلستان نمیتواند بر طبق مقررات منشور و مقررات ماده ۳۶ اساس نامه که راجع بمقررات بین دو دولت است استناد بکند و باین جهت موضوع صلاحیتی برای دادگاه بین المللی نیست بنا بر این این قرار داد هم از دستور رسیدگی دادگاه خارج شد دیگر از قرار دادهائی که دولت انگلستان استناد کرده بود قرارداد هائی بود که بعد از ۱۹۳۲ دولت ایران با دولتهای ثالث منعقد کرده بود که از آن جمله دانمارک و سوئیس و ترکیه بود دولت انگلیس مدعی بود که چون از شرط دولت کماله الوداد استفاده میکند بنا بر این هر امتیازی که دولت ایران بیک دولت ثالثی داده باید از آن امتیاز بهره مند شود و بر طبق این قرارداد هائی که با دولت های دیگر منعقد کرده دولت ایران متعهد شده است در مقابل آن دولتها که با اتباع آن ها و با اموال آن ها مطابق مقررات حقوق بین الملل رفتار بکنند و چون دولت ایران در این مورد برخلاف حقوق بین الملل رفتار کرده بنا بر این باید دادگاه قرار صلاحیت صادر کند حالا اگر دادگاه این ادعای انگلستان را مبنی بر شناخت قرارداد صلاحیت صادر میکرد و ما اگر در ماهیت ذیق بودیم یا نبودیم امر دیگری بود ولی این استدلال دولت انگلیس هم مورد موافقت دادگاه واقع نشد زیرا دادگاه چنین جواب داده است که استفاده از شرط دولت کماله الوداد بر طبق قرارداد های ۱۸۵۷

۱۹۰۳ است و این قرار داده است که بودت انگلیس شرط کامله الوداد را داده است و آن قراردادها سنزله اصلند و این قرارداد های دیگری که دولت ایران با دولت های دیگر منعقد کرده به سر نرسیده و تا اصل نباشد از فرغ نمیشود. در مورد قرارداد های قبیل از ۱۹۳۰ بعلت اعلامیه دولت ایران نمیتوان عمل کرد. استناد بقرار داد های دولت انگلیس نمیتواند عمل کند. در مورد قرارداد های قبیل با دولت انگلیس استناد کرده بود بنا بدلیلای که عرض شد دادگاه همه اینها را وارد ندانست و چون دولت انگلیس دلیل دیگری هم برای اثبات نظر خودش اظهار نکرده بود، دادگاه باین ترتیب باین نتیجه رسید که صلاحیت رسیدگی برای این امر ندارد معاکه بین دولت ایران و دولت انگلیس بطوریکه آقایان استحضار دارند در هفت هشت جلسه دادگاه قریب دو هفته طول کشید و بعد از اینکه این معاکه تمام شد روزیکه آقای دکتر مصدق و هیئت نمایندگان ایران حرکت کردند روز بعد جلسه مشورت داد گناه تشکیل شد و در آنجا طرز کار و روش کار دادگاه و مباحثه و بحث در اطراف موضوع معین شد و در یک هفته تکلیف این کار معلوم شد یعنی تکلیف ایران معین شد در آنجا. قرار اینست که هر يك از قضات جدا گانه نظریه خودشان را بحث میکنند و بحث هر قاضی گاهی یک ساعت یا دو ساعت طول میکشد و در آنجا بطور مفصل نظریات خودشان را راجع به تمام این دعوی بیان میکنند و تقریباً طی شش هفت جلسه قضات دادگاه تمام اعلام نظر کردند بطوریکه روزی که آقای دکتر مصدق حرکت کردند روز دوشنبه بود روز دوشنبه بعد هر ۱۴ قاضی نظر خود را اظهار کرده بودند یعنی در دوشنبه دیگر بنده تنها شخص ایرانی بودم که از نظر دادگاه اطلاع داشتم ولی بنابر تهمیدی که در مقابل دادگاه داشتم نمی توانستم بپیجویم در این باب اطلاعی بخارج بدم ولی تمام قضات اظهار نظر کرده بودند و بطور حتم ۸ رأی از ۱۴ رأی برفع ادعای دولت ایران بود. بعد از آنکه بحث شفاهی تمام شد از روز سه شنبه بعد قرارداد بر طبق تشریفات معمول دادگاه آقایان قضات نظریه خودشان را کتباً به رئیس دادگاه بدهند و این امر در ظرف دوسه روز انجام شد و بعد از آن رئیس دادگاه بک بر سرش بامه ای تهیه کرد که باید قضات دادگاه بآن پرسشنامه بطور مثبت یا منفی جواب بدهند مثلاً بطور مثال سؤال کرد که کلمه بعد مربوط است بکلمه عهدنامه ها و قرارداد ها و یا نه؟ باید جواب بدهند بلی یا نه یا جواب بدهند بلی یا نه و چیزهای دیگر. یک پرسشنامه ای قریب ۲۰ یا ۳۰ سؤال تهیه شده و قضات بترتیب از تازه ترین و جوانترین

قاضی تا نفر چهاردهم که خود رئیس دادگاه بود شروع میکردند بجواب دادن و این جوابها در اوراق چاپی که قبلاً تهیه شده و حاضر است در آنجا ثبت میشد و بعد از آنکه بسؤالات جواب داده شد هیئتی معین شد بنام کمیته انشاء رأی و رأی را نوشت و رأی بصورت محرمانه بقضات ابلاغ میشد و يك وقت محدود بیکروز و نصفی تعیین شدند که اصلاحاتی که بنظر آنها میرسد روی رأی بدهند و جلسه ای برای قرائت اول رأی معین گردید و این قرائت اول رأی سه روز بیشتر طول کشید زیرا قضات فوق العاده علاقه مندند که استدلال آنها معکم و متین باشد زیرا که استدلال آنها نه تنها از لحاظ دعوائی که در آنجا مطرح است مورد توجه است بلکه از لحاظ سابقه عمل و ایجاد رویه قضائی مورد توجه و عمل سایر دولت ها و سایر دعاوی هست که بعداً مطرح میشود. اینست که وقت فوق العاده میکنند. قرائت اول تمام شد و با اصلاحاتی که در ضمن جلسه بعمل آمده بود دوباره بکمیته انشاء رأی رفت و کمیته انشاء رأی رأی را مجدداً نوشت و برای قرائت دوم فرستاد در ضمن قرائت دوم رأی بود که خبر تغییر کابینه و استعفای آقای دکتر مصدق رسید البته بنده باید خدمت آقایان عرض کنم وحشت و نگرانی فوق العاده عظیمی برای بنده حاصل شد زیرا که يك زحمت فوق العاده ای کشیده شده بود و رأی حاضر بود و قرائت اولش تمام شده و وقت قرائت دوم تعیین شده بود و بنده وحشت داشتم که يك کاریکه باین خوبی شروع شده باین مشکلی شروع شده و باین خوبی و عظمت دارد بیابان میرسد از بین برود آقایان نمایندگان ممکن است سؤال بفرمایند بچه ترتیب ممکن است از بین برود؟ ماده ای هست در آئیننامه دیوان بین المللی بنام ماده ۶۸ که میگوید تادقیقه که اعلام رأی که فرانسه اس اینست ژوسک ایرنسه دلارت Jusqu' Au-prononcer beL'arrêt طرفین دعوی میتوانند دیوان بین المللی اعلام میکنند که از دعوی خودشان منصرف شده اند، خوب، حکمی بود. بین ۱۴ قاضی مطرح شده و ده دوازده تا مترجم از آن اطلاع داشته ماشین نویسه از آن اطلاع داشتند و بعد برای قرائت دوم در چاپخانه هم چاپ شده بود و یک چاپخانه هم از آن اطلاع داشت البته بنده نمیتوانستم بکسی اطلاع بدهم و نداده بودم ولی از کجا میدانستم که طرف دعوی از نتیجه حکم مسبوق نیست و در نتیجه يك سازش و تبانی ممکن نباشد از صدور چنین حکمی جلوگیری بشود؟ باید با آقایان عرض کنم که واقعا حقیقه بنده دو شب تمام نه خوابیدم و وحشت داشتم که مبادا بکرتیه چنین دستوری برسد و نتیجه تمام زحمات از بین برود بخصوص يك تصادفی که بنده باید

صرفاً آنرا حمل تصادف کنم پیش آمد و موجب شد که يك روز حکم دادگاه عقب بیفتد و آن این بود که روزی که برای قرائت دوم معین شده بود یعنی روز جمعه که روز بعد از تعیین حکومت آقای قوام بود ما به دادگاه رفتیم یکی از قضات مریض بود و بنامه و این روزی بود که بایست بجموع حکم رأی بگیرند البته حاضر نبودن يك قاضی که هیچ سابقه ای نداشت ایجاد نگرانی کرد تمام قضات میل داشتند که همه حاضر باشند و از طرف دیگری قاضی دیگری که او هم رأی مخالف بداد در همان جلسه اظهار کرد که چون يك قاضی غایب است و از طرف دیگر دوساعت بیشتر نیست که این اوراق چاپ شده است و ببار سید و معالی پیدانکردیم به بینیم کدر این چاپ دوم آن اصلاحاتی که در جلسه پیش شده بود بعمل آمده یا نه؟ بنابراین نمیتوانیم در این باب وارد بشویم و خوبست که بوقت دیگر موکول بشود بنده در آنوقت که این پیش آمده پیداشده بود مثل این بود که عالم خارج نگران هستند که این نتیجه بزرگی که برای ملت ایران فراهم است میخواهند از بین ببرند بالاخره يك جلسه عقب افتاد و بفرما موکول شد و فردا خوشبختانه اینکار بیسایان رسید و حکم دادگاه که باستحضار آقایان رسیده است با کثرت ۹ رأی در مقابل ۵ رأی صادر شد و بعد چون بیکروز جلسه عقب افتاده بود و فردا هم بکشنبه و تعطیل بود و یکشنبه چاپ این اوراق تمام نمیشد جلسه بروز سه شنبه موکول شد و بنده تا روز سه شنبه این نگرانی و وحشت راهنوز داشتم ولی خوشبختانه اوضاع و احوال بآن صورت باقی نماند در روز دوشنبه غروب ما از رادیو تغییر اوضاع و احوال ایران را شنیدیم و بنده باید عرض کنم در این محضر مقدس مجلس که بنده هر روز که بدادگاه میرفتم سرفراز و سر بلند بودم و خودم را نماینده و قاضی يك ملتی میدانستم که در مقابل چنین ظلم سالیان ممتد و دراز قیام کرده و ادعای این را دارد که حقوق ملی خود را در دست گرفته در مقابل يك سیاست استعماری ایستاده و در آنروزهایی که این اوضاع و احوال پیش آمده بود در خودم يك نوع شکستگی احساس میکردم و مثل این بود که وقتی در خیابان راه میروم خیابان بمن نگاه میکند، در دیوار بمن نگاه میکنند قاضیهای دیوان بین المللی مطلقاً و اصلاً يك کلمه راجع بایران نمیبرسیدند ولی مثل اینکه من احساس میکردم که در تحت تأثیر نگاههای آنها هستم و مثل اینکه بمن نگاه میکنند و بمن میگویند شما همان کسی هستید که دولت شما و ملت شما چنین ادعاهائی میکرد و بالاخره معلوم شد که شاهنوز در تحت يك وضعیت شبه استعماری هستید و بالاخره تمام اینها ادعای محض بود و باید بهمان اوضاعی که سالیان دراز بآن دچار بودید باز هم دچار باشید و بنابراین بنده هم از جهت

نتیجه حکم و هم از جهت سر شکستگی که این اوضاع فراهم کرده بود بسیار ناراحت بودم و سخت ترین ساعتها و روزها بر من گذشت ولی روز دوشنبه که این تغییر در مملکت ایران حاصل شد فردا که بنده به دادگاه میرفتم سر بلند رفتم و خوشوقت بودم که فردی از افراد ملتی هستم که نهضت آنها يك ریشه بسیار عمیقی دارد و بدینا نشان دادند که نهضت ملت ایران را بآن تشبیهات و اوضاع و احوال نمی توان جلو گیری کرد و بنابراین با نهایت قدرت وارد دادگاه شدم و واقعه هم مثل اینکه احساس میکردم که در دیوار کوچک و اشخاص و مردم بايك نظر دیگری بیننده نگاه میکردند زیرا که احترام آدم پیش خودش است وقتی آدم سر بلند باشد دنباهم مجبور است بر سر بلندی باونگاه کند (صحیح است) این دقایق گذشت و حکم دادگاه بترتیبی که باستحضار آقایان رسیده است اعلام شد آقایان محترم تصور میکنم کامل بنتاجیر عرظمت این حکم واقعا واقف و مستحضر باشند زیرا اولاین حکم اعلامیه ایران را که امروزه البته مسترد داشته اند، بطور رسمی تفسیر کرد. بنابراین اگر بیکروزی لازم بشود که دولت ایران شناسائی دادگاه را بوجوب آن اعلامیه تجدید بکنند يك تفسیر رسمی دارد که دیگر نمیتواند مورد تفسیر دیگر و سوء استفاده از طرف هیچ دولتی قرار بگیرد نتیجه دیگری که ما بگیریم اینست که ماهیت حقوقی قرارداد امتیاز سال ۱۹۳۳ از طرف يك مرجع قضائی بین المللی بطور رسمی و صریح تفسیر و تعبیر شده و این قرارداد يك قرارداد حقوقی داخلی و خصوصی اعلام شد که بپیجویم جنبه بین المللی ندارد و بنابراین این يك منفعت بزرگ است که برای ایران حاصل شده و اگر این حکم واقعا صادر نشده بود همیشه دچار این محذور و در در سر بودیم که دولت ایران يك قرارداد بین المللی را نقض کرده است دیگر يك نتیجه ای که عرض میکنم که در اوضاع پیش از صد درصد تقاضای ماست اینست که در بیان وکیل دعوی ما دولت راجع بقراری که سال گذشته از طرف دادگاه صادر شده بود تقاضائی بعمل نیامده بود ولی خود دادگاه با عدالت طلبی و حق پرستی که قضات دادگاه دارند متوجه شدند که بعد از آنکه حدود صلاحیت خودشان را تعیین میکنند و تصدیق میکنند که صالح نیستند باید يك قرار را هم که قبلاً و با عجز صادر کرده اند تکلیف آنها نیز معلوم کنند. این بود که در ضمن این حکم تکلیف آن قرارداد هم معین کردند و اعلام داشتند که آن قرار باطل و بی تأثیر است و بطلان وی بی تأثیر بودن آن قرارداد برای ما برد فوق العاده است زیرا با انگلیس نتیجه آن قرارداد که دولت انگلستان بآن وقت ما را بشورای امنیت میکشید و میگفت که ایران حکم يك دادگاه صلاحیتدار

بین المللی را زیر پا گذاشته است. بوجوب این قرارداد که شرکت سابق نفت و دولت حامی او اظهار میکرده است که این محصول نفت مال آنهاست، ملک آنهاست و بخودشان حق میدادند که این مال را ضبط و توقیف بکنند و باز صدورش جلو گیری کنند. و امروز این قرار بوجوب حکم همان دادگاهی که بآن استناد میکردند ملتی و بی تأثیر شده است و بنابراین این بانه هم از دست آنها خارج شده است و دیگر برای دولت انگلستان امکان مراجعه بشورای امنیت هم از بین رفته است زیرا که مراجعه سابق دولت انگلیس بشورای امنیت متکی باین قرار بود و قبلاً که این قرار از بین رفت دیگر مراجعه بشورای امنیت بی معنی است و اگر بعنوان دیگری هم مراجعه کند دیگر مواد منشور ملل متحد جلوی آنرا میگرد و باین سابقه ای که پیش آمده است بنده تصور نمیکنم دیگر بشود از این باب بهیچ مرجع بین المللی شکایت کرد. بالنتیجه الان جلوگیری از صدور نفت با اقدامی از قبیل اقدام بتوقیف کنتی رزماری بکلی غیر قانونی و برخلاف حقوق بین المللی است و تصور نمیکنم که در هیچ دادگاه يك کشور بی طرفی شرکت سابق یا دولت حامی او بتواند بايك دلایل موجهی عرضحالی بدهد یا شکایتی بکند و مالکیت شرکت را دره محصول نفت ایران ثابت بکند. واقعا بچه دلیل می تواند ادعا کند که محصول نفت ایران مال شرکت است که بتواند اقامه دعوی بکند؟ دولت ایران بر طبق حق خودش و صلاحیت ملی خودش محصول يك صنعتی را ملی کرده است و محصول آن صنعت متعلق بملت و دولت ایران است و اگر شرکت شکایتی دارد باید در ایران است و اگر شرکت شکایتی دارد باید در ایران است و برای غرامت خودش مراجعه کند که دولت ایران در این باب اصولی معین کرده است و حرفی ندارد. باید بدادگاه مقامات قضائی ایران مراجعه بکنند این فوایدی در نتیجه بود که صدور این حکم عاید شده است و بنده تصور میکنم با تمام مزایائی که نصیب ما شده است بزرگترین فایده این رأی عاید سازمان ملل متحد و خود دیوان بین المللی لاهه شده است زیرا که در نتیجه صدور این حکم نگرانی هائیکه در دنیا موجود بود رفع شده است. بسیاری از ملت های کوچک، بسیاری از مردم آزادخواه دنیا تصور میکردند که این دادگاه بلغاظ سیاسی که این موضوع دارد و از لحاظ اهمیت سیاسی که دارد و دولتهای ایران صادر خواهد کرد و صلاحیت خودش را خواهد شناخت و اگر چنین حکمی صادر می شد محققاً بزرگترین لطمه بسازمان ملل متحد و دیوان دادگستری بین المللی وارد

می آمد (صحیح است) در نتیجه صدور این حکم اعتماد دنیا بسازمان ملل متحد بیشتر شد و مردم فهمیدند که در دیوان دادگستری قضات با شرافت و قضات عادلانی وجود دارند که مسائل را صرفاً از جهت حقوقی و از جهت قضائی نگاه میکنند و حاضر نیستند بنابراین مصالح سیاسی يك حق قانونی ملت ضعیفی را یا پامال بکنند و حقانیت را بر سر چیزی مقدم می دارند و بدین ترتیب امروزه محققاً احترام این دستگاه بین المللی آن طوری که شایسته آنست در جهان صد برابر شده است. بنده باید حقیقه عرض کنم که قضات دادگاه بین المللی واقعا از هر جهت شایسته احترام هستند و بنده که افتخار آنرا داشتم که چندین روز صبحها و بعد از ظهرها با آنها جلسه داشته باشم دیدم که چه مردمان شریف و آزاده ای هستند (خسرو قشقائی - مخصوصاً مال شوروی) و در واقع بنده اگر بخواهم اسم ببرم مثل اینکه توهین است که ب دیگران شده است. مردمان شریف، با استعداد، دانشمند و در عین حال رؤف و مهربان که با نهایت دقت و مراقبت سعی دارند که مطابق حقانیت اقدام کنند بنده نتایجی که شخصاً میخواهم بگیرم و در واقع بصورت يك توصیه ایست که میخواهم عرض بکنم اینست که ما در اینکار فتح کردیم و این فتح برای ما آسان نبود. اوضاع و احوالی برای ما پیش آمده بود که این فتح نصیب ما شد و اگر يك کلمه، يك سطر یا يك مکاتبه مد از ۱۹۳۲ با دولت انگلیس می داشتیم محققاً دادگاه با صلاحیت خود رأی می داد اوضاع و احوال اینطور پیش آمده که قراردادهای قبل از ۱۹۳۲ باشند و بعد از ۱۹۳۲ آن دولت بپیجویم متوجه نشده باشد که وضع حقوقی خودش را با ما روشن بکنند و يك قراردادی با ما منعقد کنند. دولتهای دیگر آمدند با ما قرارداد بستند، دانمارک بست، سوئیس بست، بلژیک بست، ترکیه بست، یونان بست و ولی دولت انگلستان با ما قرارداد بست و بهمین دلیل بود که الغریب بقیثت بکل حبشیش به همه جا مشتت میشد و میخواست از قرار داد با دانمارک، از قرار داد با سوئیس و اینها استفاده کند. ما باید از اینها این عبرت را بگیریم که در انعقاد این قراردادها ما فواید ساده مراقب باشیم. يك سطر که ما اینجا نوشته ایم در قرارداد با دانمارک که دولت ایران و دانمارک منعقد هستند که با ابتاع و اموال آنها در خاک خودشان بر طبق قواعد حقوق بین الملل رفتار کنند این چیز فوق العاده ساده ایست يك اصل ساده است. حقوق بین المللی است. همین يك سطر را اگر ما بصورت يك مکاتبه هم با دولت انگلیس داشتیم همین باعث میشد که دادگاه با صلاحیت خودش رأی بدهد و آنوقت شاید مادر ماهیت حاکم میشدیم برای این

که در ماهیت هم دلایل مافوق العاده محکم است ولی همین قرار صلاحیت هم برای ما خیلی گران تمام میشد و باعث میشد که ما وارد ماهیت بشویم که آن يك امر دیگر است. یا همین شرط دولت کامله الوداد را بنده تقاضا می کنم آقایان توجه بکنند، يك شرط بسیار ساده ایست که يك دولتی متعهد میشود که با يك دولت دیگر مثل يك دولت کامله الوداد رفتار بکند یعنی هرامتیزی، هروضعی که با دولت دیگر دارد با این دولت هم رعایت بکند این شرط کامله الوداد در ظرف ۱۵۰ سال مثل يك زنجیری بود که بگردن ما افتاده بود زیرا تنها بوجوب این شرط بود که اصول کابینتولاسیون بر ما تحمیل میشده و باز بر طبق همین شرط منعقد در قرارداد ۱۸۵۷ بود که دولت انگلستان میخواست از قرارداد های با دانمارک و سوئیس و ترکیه استفاده بکنند پس ما باید بعد از این در روابط بین المللی و مکاتبات و تنظیم قراردادها فوق العاده مواظب باشیم که يك خط کوچکي مکسست مارا يك محظورات فوق العاده بزرگی مواجه کند آقایان بنده می خواهم عرض کنم امروزه دنیا بیش از آن چیزی که شاید خود ما واقف هستیم با اهمیت جنبش ملت ایران متوج است. امروزه دنیا، ملت های آزاد دنیا، مردم آزاد دنیا که خوشبختانه دره کشورها هستند ملت ایران را بجزق پیشرو يك نهضتی در خاور میانه میدانند. ملت های خاور میانه امروزه چشم باین ملت دوخته اند و اگر شکستی بر اساس نهضت ملت ایران وارد شود نه تنها ما بردی را که در این چند سال نصیبمان شده از دست می دهیم و يك عواقب بدی دچار میشویم بلکه دنیا بعقب خواهد رفت دنیا دچار آس و تومبیدی خواهد شد از آنجهت است که هر چه مردم آزاد منش در دنیا وجود دارد بنظر احترام و تقدیس به جنبش این ملت محرم و بیچاره نگاه میکنند و خواهان پیشرفتش هستند ما استدعا داریم ملت ایران توقع دارد که نمایندگان محترم قائل هستند توجه داشته باشند و این راهی که ملت ایران پیش گرفته باید بنهایت برساند مخصوصاً از این موفقیت بزرگی بزرگی که نصیب ما شده از این موفقیت بزرگی که از لحاظ بین المللی نصیب ما شده باید استفاده کنیم و هر چه زودتر اصلاحاتی که ملت ایران انتظارش را دارد از آن اصلاحات را انجام بدهیم و با استفاده از منابع اولیه خودمان هم بپردازیم امروزه واقعا این جنبش ملت ایران محدود بیک طبقه معینی و سطحیك افراد ممتازه مخصوصی نیست و ریشه این نهضت تا عمق کوچکترین دهات و کوهستانهای ایران رفته و زار عود رانی ایران امروزه منتظر يك اصلاحات است اگر این فرصت را دران

موقعیت مجلس شورای ملی و دیوان از دست بدهند دیگر يك طبقه معین و محدودی و يك افراد ممتازه محدودی ما ریس نمی شوند و رو گردان نمیشوند بلکه طبقات عظیم ملت ایران که انتظار دارند ما ریس میشوند از دست جنبش ملی ایران نمیکنند خارج بشوند و يك مغاظرات عظیم و غیر قابل علاجی برای دولت و ملت ایران ایجاد میکنند بنابراین آن انتظاراتی که ملت ایران دارد امروزه هم شماها در قاب خودتان بآن واقف هستید باید آن اصلاحات را در اسرع اوقات انجام بدهید که ملت ایران امیدوار بشود که با دست خودش آن اصلاحات اساسی که بایستی بشود خواهد شد و ملت ایران می تواند ببعول خدا و اعتماد بخودش و بفکر خودش بدست خودش اصلاحاتی که لازم باشد انجام بدهد (صحیح است) اما امروزه در دنیا مدعی يك اصلاحاتی هستیم و میگوئیم که لازم نیست که يك ملت متکی بفلان سیاست یا فلان سیاست دیگر باشد که بتواند خودش را از گرداب مهالک نجات بدهد خودش باید بتواند متکی بخودش باشد و با استقلال و بفکر خودش انجام بدهد بپیجویم دستگا خارجی نمیخواهیم اتکاء داشته باشیم جز بملیت و با استقلال خودمان و باید مجلس شورای ملی و پیشروان ملت ایران نشان بدهند که واقعا قابلیت اجرای این ادعا را دارند و میتوانند اصلاحاتی را که دنیا مراقب آنست و ملت ایران انتظارش را دارد خودش انجام بدهد بنده راجع باین موضوع این عرایضی که لازم دانستم بعضی نمایندگان محترم رساندم و این کتاب را هم که ملاحظه فرمودید این متن حکمی است که دیوان بین المللی صادر کرده است که در ابتدایش حکم است و بعد نظریات شخصی است که قاضیهای که در اقلیت بودند و رأی مخالف داشتند بر طبق اساسنامه دیوان استفاده کردند و نظریات خودشان را ابراز داشتند (ناظر زاده خوب بود ترجمه می شد) بلبه وزارت خارجه ترجمه کرده است (مهندس حسینی - درست ترجمه است) بعضی اوراقی رسیده است که استفاده می کنم تقدیم مقام ریاست مجلس می کنم اوراقی است از کاشمر در هفت برک با چندین هزار امضاء توسط آقای مهندس حسینی رسیده است راجع به پشتیبانی از جناب آقای دکتر مصدق و تقاضای مجازات خانین. دیگر نامه از کارگران قدشاه آباد که مبلغ ۷۸ تومان هم برای آرامگاه شهدا فرستاده اند کارگران کارخانه شاهین غریبه فرستاده اند راجع بتقویت از دولت آقای دکتر مصدق اهالی تاشان نامه و تقاضای مشروع مفصلی فرستاده اند و تقاضای مجا که مجازات مسیبت فاجعه جانگذا ۳۰ تیرا از مجلس شورای ملی کرده است (نمایندگان - احسن احسن)

۴- سؤال آقای قنات آبادی راجع بتعقیب مسببین واقعه ۳۰ تیر و جواب آقای وزیر کشور

نایب رئیس - وارد دستور میشویم سؤال آقای قنات آبادی مطرح است از جناب آقای وزیر کشور
آقای قنات آبادی بفرمائید
قنات آبادی - معروفست که می گویند ایرانی فراموشکار است البته این مثل و این تذکروان موضوع در بین مردم ایران شایعست و استشهاداتی، دلایلی هم برایش اقامه میکنند بگذشته و حال استناداتی دارند که قضایای اتفاق افتاده و بدون نتیجه گرفتن و بدون اینکه عکس العملی نشان داده شود آن قضیه فراموش شده من عقیده ام اینست که ایرانی فراموشکار نیست ممکنست با گذشت باشد ولی بعضی از مواقع این گذشتها و این فراموشکارها اجباری است مثل همین واقعه سی ام تیر جناب آقای دکتر مصدق بهر علتی که آقایان بهتر اطلاع دارید استعفا کرد و جریاناتی هم در مجلس پیش آمد یک شخصی من غیر قانون من غیر حق ادعا کرد که من رئیس دولت وقتم مردم ایران از صغیر و کبیر تمام طبقات قیام کردند گفتند که این مرد غاصب است و حق ندارد کرسی ریاست وزرائی را اشغال بکند و باید برود این یک تصمیم یک قیام عمومی بود مجلس شورای ملی هم این قیام و این تصمیم را یک قیام ملی شناخت اما در خلال این چند روزه و این مطالب یک وقایع بسیار نا گوارای جلو آمد که باعث تأسف تمام علاقمندان بمملکت و آزادی و حقیقت و فضیلت گردید و آن این بود که یکمده ای در این میانه شربت شهادت نوشیدند ، یکمده ای از بهترین جوانها و برادران ما زیر تانک له شدند ، یکمده ای بدنشان با گلوله مشبک شد یکمده اعضا و جوارح شان ناقص شد ، یک عده دستشان قطع شد ، عده ای چشمهایشان کور شد ، یکمده ای در بدر و بی خانمان و یک عده ای هم اسف انگیز تر مفقود الاثر شدند خوب این جریانات را که بوجود آورد ؟ (یکی از نمایندگان - ارباب) بوسیله کی ؟ بوسیله این آقائی که حکومت را غصب کرده بود و آن عناصری که دستور این غاصب و جانی را اجرا میکردند غاصب معلوم بود احمد قوام بود عاملین این کشتار هم معلوم و معین بودند رئیس شهربانی وقت رئیس ژاندارمری وقت رئیس حکومت نظامی وقت و آن کسانی که در تهران و شهرستانها مشغول انتظامات بودند اولامن آقای دکتر صدیق را باین مطلب جلب کنم (یکی از نمایندگان - دکتر صدیقی) دکتر صدیقی ؟ ببخشید يك (ی) نسبت حذف شده ، اضافه میشود و آن اینست که مجلس ۳۰ تیر را قیام ملی شناخته و شهدای

۳۰ تیر را شهدای ملی شناخته است . کسانی که بر علیه قیام ملی قیام کردند و حربه کشیدند دشمنان قیام ملی هستند همانطور که اگر کسی بر علیه مشروطیت قیام بکند باصطلاح مجازات خاصی دارد آن کسانی هم که بر علیه قیام ملی قیام بکنند آنها هم مجازات خاصی دارند . بنابراین قدر مسلم اینست که آن کسانی که علیه قیام ملی قیام کردند مجرم و جانی بکارند . اینها کسی بودند ؟ احمد قوام غاصب حکومت وقت . و آن اشخاصی که عامل اجرای این جنایت بودند الان شاید درست ۱۹ روز از روز این فاجعه عظمی میگذرد بلافاصله بعد از آن روز مجلس شورای ملی با کثرت تمام جناب آقای دکتر محمد مصدق ابراز تمایل کرده بعد هم رأی اعتماد داده است خوب ما میخواهیم از جناب آقای وزیر کشور این سؤال را دوستانه بکنیم که تکلیف این کسانی که کشته شدند و آن کسانی که عامل این کشتار بودند چه شده ؟ اولاً از جناب آقای وزیر کشور خواهش می کنم برای ما و مردم ایران روشن کنند که اصلاً قوام چه شده ؟ این يك معنائی شده (گریه) - حالاهم هست . رئیس شهربانی میداند ، تیر قوام السلطنه در تهران ، ده چون بعد از ظهر رفته حضور شاه ، احضارش کرده اند و از ش استعفا گرفته اند عرض کردم این موضوعی که میگویند ایرانیها فراموشکارند زود می بخشند و گذشت میکنند این يك مطلب مصنوعی است وقتی قضایا تعقیب بشود بعد هم يك جریانات فوق العاده يك هو و يك جنجال همانطور که عرض کردم طبق سنت جاری هیئت حاکمه هر جنایتی بکند يك کلمه میگوید تکذیب میکنم ، خوب تکذیب میکند مطلب هم در بونه اجمال می ماند و تکلیف مردم روشن نمی شود بعد از آنهمه جنایات و بعد از آنهمه کشتارها بر میدارد بمجلس شورای ملی می نویسد که من اصلاً روز دوشنبه رئیس الوزرا نبودم (يك نفر از نمایندگان غلط کرده است) اجازه بدهید من میدانم غلط کرده بالاتر از غلط هم يك کاری کرده اما این مطالب برای مردم جواب نمیشود مردم انتقام میخواهند ، من میخواهم عرض کنم و با کمال صراحت هم میگویم که اگر املاک قوام از اینکه هست صد برابر اینکده ست و صد برابر هم بود مجلس قانونی تصویب میکرد . میگرفتند و در اختیار بازماندگان شهدای ۳۰ تیر می گذاشتند و هزار محرومیت هم برای او میخواستند معنی می کردند آن چیزی که مردم را سیر میکند و آرام میکند انتقام از این جنایتکارهاست مردم ایران بعد از آن همه مبارزه بعد از آن همه فدا کاری ، بعد از آن همه قربانی میخواهند برای اولین دفعه در تاریخ ببینند که يك جانی که در مقدمه و مورخه اسمش يك القاب مهمی است مجا که بشود و

با اطلاعاتی که ما داشتیم (یکی از نمایندگان معتمد السلطنه هست ؟ زنده است یا مرده؟) اطلاع ندارم با زنده بودن و مردنش کاری ندارم منزلش آنجاست . شب بعدش هم بلافاصله آنجا رفته حتی يكش هم این بود که مقدماتی فراهم کرده بود و میخواست از ایران بيك وسیله فرار بکند که آنشب ما با اطلاع پیدا کردیم و آنشب با جناب آقای دکتر بقائی در اطراف فرودگاه مهر آباد بایک عده از اعضای مجمع مسلمانان مجاهد و اعضای حزب زحمتکشان و افراد شهربانی مراقب بودیم و بعد هم این مرد فهمیده بود که ما مراقب هستیم تعجیب عقیده کرده بود و گذاشته بود برای وقت مناسبتری . قدر مسلم اینست که این شخص هست و باید روشن بشود این مطلب چون بالاخره این سوزن که نیست قیام شود و کم شود اگر روشن نشود این مطلب که با طیاره رفته و یا با تومبیل ، قدر مسلم اینست که در ایران است پس باید دید در کجاست و چه میکند و چرا اینکون توقیف نشده . این مطلبی بود که از جناب آقای وزیر کشور خواستم سؤال کنم که این مطلب را برای مردم ایران روشن بفرمائید . موضوع دیگر هم عاملین کشتار سی ام تیرند . يك روزی اگر آقایان نمایندگی محترم بنظر مبارک شان باشد من در این مجلس شورای ملی راجع به آلت فعل صحبت کردم . این مطلب را دیگر ملت ایران نمیتواند قبول بکند که یکمده بگویند ما مأمور بودیم معذور بودیم و هر جنایتی بخواهند بکنند (صحیح است) من از آقایان نمایندگان محترم میخواهم بپرسم که کجای قانون و کدام قانون يك مأمور نظامی اجازه داده است که مردم را دست جمعی بکشد در کدام جای دنیا تانک آورده اند در شهر آزوری بدن مردم عبور داده اند و بعد هم اسمش را گذاشته اند مأمور معذور است ، و آنها هم محترمند و آقا هستند ؟ (صحیح است) آخرین کجاست بامیگویند يك منطقه اگر در جنوب آفریقا هم باشد ما قبول میکنیم مسلم اینست که این سربازها و این پاسانهای که در میدانها و در خیابانها و در کوچه ها مردم را بسلسل بسته اند مردم را کشته اند اینها دستور گرفته اند . بامأمورین شهربانی کی دستور میدهد ؟ رئیس شهربانی کی در مقابل قبرستان ظهر الدوله ، آنجا يك کسی است گویا جگر و دل و قلوبه میفرود ، این آمد در منزل من ، در زده و گفت من الساعه قوام را دیدم بایک سرهنگ ارتش و يك شخص دیگری که لباس شخصی داشته نمیشناختم ، گیوه ملکی هم پایش بود . من رفتم جلوی او بگیرم تو قوامی تا رفتم جلو نزدیکش آن افسر مرا تهدید کرد البته میدانید که آن قبر ظهر الدوله نزدیک منزل برادر احمد قوام است ، منزل معتمد السلطنه است . و این باین خصوصیات و

هم چنانکه هست و چنانکه آقایان انتظار از بنده حقیقت دارند و البته از این دستگاہی که اینگونه امور را ناظر است و حاکم است به عرض آقایان محترم خواهد رسید
شمس قنات آبادی - آقای رئیس اجازه میفرمائید
نایب رئیس - آقای قنات آبادی مختصراً بفرمائید
شمس قنات آبادی - بنده از آقای وزیر کشور بيك سؤالانی کرده بودم که مطلب خیلی خیلی روشن بود و ابهامی درش نبود و تومی هم درش نبود و خیالی هم نبود ما خوب اینها هم درش نبود (وزیر - کشور - بنده همچو جاسارتی نکردم) اجازه بفرمائید در اینکه يك ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ بوده حرفی درش نیست ، از اینکه يك احمد قوامی هم ادعای حکومتی می کرده حرفی درش نیست در اینکه این مملکت در آن روزها رئیس شهربانی ، رئیس ژاندارمری رئیس حکومت نظامی و رئیس پلیس و این حرفها داشته هیچ تردیدی درش نیست و در اینکه يك عده ای هم آدم کشته شدند هیچ تردیدی درش نیست اینکارها را در این میانه کی کرده ؟ بنده میخواهم این مطلب روشن بشود که آخر این جنایات از طرف چه شخصی بوده است آقا میفرمائید قسمتی از سؤالات من جنبه شخصی داشت متوجه این مطلب نشدم که مقصود ایشان از جنبه شخصی یعنی فرض شخصی بود یا خصوصی بود (وزیر کشور - همچو نظری نداشتم یعنی متوجه شخص معین بود) شخص معین ! در این مطلب آقای رئیس شهربانی هم بوده فرماندار نظامی هم بوده و فقط متوجه ایشان نبوده از اینکه ایشان در زمان حکومت قوام رئیس ژاندارمری بودند تردیدی درش نیست شما میفرمائید که آقا ادعاشان این است که قوام السلطنه بمن دستور کتبی داده که من جلومردم را بگیرم و نگذارم اشخاص وارد تهران بشوند من از خود شما ، از خود جناب آقای دکتر صدیقی سؤال می کنم در يك همچو موقعیکه يك همچو ظفانی از میان هموطنان خود ایشان بر علیه این مرد بوجود آمده شرافتمندان ترین کاری که ایشان می توانستند بکنند چی بود ؟ این بود که استعفا بدهند و خودشان را در آن دستگاہی که اینهمه جنایات را بعمل آورده شریک نکنند ایشان که استعفا ندادند هیچ این دستورات را طبق التعل بشریت و انسانیت این عمل جرم است که کم کردن به جانی و جنایتکار جرم است گو اینکه در این قانونهایی که از تراوش مفرغن شما است برای این جور جرمها جزائی معین نشده باشد اما کمک کردن

بظالم جرم مسلمی است بنابراین من میتوانم باز هم از طرف خودم بجناب آقای وزیر کشور با کمال احترام عرض کنم که بنده از جواب حضرتتعالی هیچ چیز دستگیر نمیشد من آخر تفهیم قوام چی شده من تفهیم آنهاست که آنروز مسئول بودند در آن کشتار دسته جمعی کارشان بکجا منتهی شده آیا از رئیس شهربانی سؤالی شده آیا از فرماندار نظامی سؤالی شده بنده عرض کردم که فقط اضعف عاملین جنایت آنروز را گرفته اند سرهنگ قربانی و ستوان فاضلی را گرفته اند این بیچاره آنقدر شور بود که ما هم در اینجا کتکش زدیم آنهاست که در اینکار خیلی خیلی دخیل بوده و خیلی مقتدر بوده آنها چه شده اند و بعد چه میشوند من این سؤال را داشتم و این مقصود را داشتم و در سؤال کردن و اصرار اطلاع در این موضوع هیچ چیزی درش نبوده است جز اینکه خواستم چیزی را که ملت بمن مأموریت داده و بمن امر کرده اجرا کنم و الساعه در مقابل ملت ایران تذکر میدهم مردم آنچه که وظیفه يك نماینده بوده است کاملاً انجام داده ایم ما وظیفه داریم از دولت بپرسم تعقیب کنیم که در این امور و سایر امورات چه کرده اند دیگر این دولت است و آقای وزیر کشور و سایر مراجع قانونی و رسمی است که باید بروند و تحقیق کنند بنابراین از تمام مردم از تمام دستجات از بازماندگان شهدا تقاضا میکنم که بعد از این مستقیماً بخود آقایان مراجعه کنند
۵ - طرح لایحه تقاضای يك ماه تمدید حکومت نظامی در طهران
نایب رئیس - لایحه تمدید حکومت نظامی تهران مطرح است قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)
ریاست مجلس شورای ملی - نظر باین که وضعیت انتظامی شهر تهران و حومه تمدید فرمانداری نظامی را بمدت يك ماه دیگر از تاریخ ۱۰-۵-۳۱ تا ۱۰-۶-۳۱ ایجاب میشود لذا طبق پیشنهاد وزارت دفاع ملی و تصویب هیئت دولت ماده واحده زیر تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارد ماده واحده - بولت اجازه داده میشود که مقررات فرمانداری نظامی را در تهران و حومه برای مدت يك ماه دیگر از تاریخ دهم مرداد ماه ۳۱ تا ساعت ۱۲ روز دهم شهریور ماه ۱۳۳۱ تمدید نماید
نایب رئیس - آقای خسروشاهی (گفته شد نیستند) آقای شمس قنات آبادی
شمس قنات آبادی - این مطلب مسلم است و مثلی هم بین مردم معروف است که کوسه و ریش پهن نمی شود يك کسی هم کوسه باشد وهم ریش پهن

باشد . نمیشود هم آدم آزاد بخواد باشد وهم چیزی را که برای آزادی اختناق بوجود میآورد قبول داشته باشد من و دوستان من و برادران هم مسلک من یعنی اعضای مجمع مسلمانان مجاهد طرفدار نظم مطلق مملکت هستیم
واژ آنروز هم که در تهران اعلام حکومت نظامی شده است مانظاها که نکردیم هیچ سخنرانی های هفتگی را هم ترك کردیم اما من يك مطلب اصولی را میخواهم تذکر بدهم و آن اینست که همانطوریکه ما بارها گفته ایم چیزی که در مملکت می تواند ایجاد عدالت و امنیت بکند زور نیست (صحیح است) زور محال و متمتع است بتواند ایجاد امنیت و عدالت بکند ممکن است يك جلو گیری موقتی بکند ممکن است يك سانحه ای را يك کمی بتأخیر بیندازد اما از بین نمی برد ما اگر میخواهیم حکومت نظامی اعلام بکنیم که انتظامات در تهران و سایر نقاط دیگر حفظ شود باید آن وسائلی که در مملکت یادشهر ایجاد عدم انتظامات می کند باید آنها را از بین برد باید عدالت بوجود آورد باید آزادی در حدود فضیلت بپردازیم داد هیچ احتیاجی بحکومت نظامی نداریم علاوه این مصلحت را همه آقایان میدانند که ؛
تیغ دادن در کف زندگی مست به که افتد علم را نادان بدست خیلی اسلحه ها و حربه هائی است که خوب هستند اما وقتی در دست اشخاص نااهل میافتند سوء استفاده های عجیب و غریبی از او میکنند یکی هم همین موضوع حکومت نظامی است حکومت نظامی اعلام کرده گفتند دستجات میخواهند در تهران شلوغ کنند مامی خواهیم حکومت نظامی باشد و از موادش برای جلوگیری از تظاهرات و اجتماعات جلوگیری کنیم آقایان میدانید در این حکومت نظامیها چه کردند ؟ غالب رفقای ما را بردند بزندان من می خواهم از مسئول و فرماندار نظامی سابق بپرسم که رفقای ما را برای چه بزندان بردند و دوتا دو تا سه تا سه تا رفقای ما را می گرفتند و به زندان میبردند چرا ؟ اگر اینها جرمی کرده اند اگر جنایتی کرده اند اگر اخلاص زیر تقدیم و تقاضای تصویب آنرا دارد ماده واحده - بولت اجازه داده میشود که مقررات فرمانداری نظامی را در تهران و حومه برای مدت يك ماه دیگر از تاریخ دهم مرداد ماه ۳۱ تا ساعت ۱۲ روز دهم شهریور ماه ۱۳۳۱ تمدید نماید
نایب رئیس - آقای خسروشاهی (گفته شد نیستند) آقای شمس قنات آبادی
شمس قنات آبادی - این مطلب مسلم است و مثلی هم بین مردم معروف است که کوسه و ریش پهن نمی شود يك کسی هم کوسه باشد وهم ریش پهن

میشد از ش سوء استفاده نشود و برای جلوگیری از اجتماعات و تظاهراتی که علیه ملت ایران بکار میرفت برای آن مطلب بود منم با آن موافق بودم ولی اگر برای اختناق باشد نمیشود با آن موافقت کرد و باید حکومت عدل و داد برقرار شود
نایب رئیس - آقای کهید (گفته شد نیستند)
اخگر - بنده مخالف هستم
حائری زاده - لایحه ای که موافق ندارد پس مردود است ردش بکنید بی کارش
گریه - با بودن سرتیپ شیبانی دیگر احتیاجی بحکومت نظامی نیست او خودش میگردد ، می بندد میکشد او در این کار سابقه دارد
نایب رئیس - آقای مشار حضرتتعالی موافقید ؟
مشار - نه خیر بنده مخالفم و پیشنهاد میکنم از دستور خارج شود
نایب رئیس - آقایان نمایندگان که خارج تشریف دارند بگویند بیایند برای گرفتن رأی و حال پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)
تقاضا دارم از دستور خارج شود حائری زاده
نایب رئیس - آقای حائری زاده .
حائری زاده - مردم تهران در عصر دوشنبه که تمام قوای نظامی عقب کشیدند از پلیس و ژاندارم و قوای مسلح ، مردم خودشان مدت ۴۸ ساعت میتوان گفت که انتظامات شهر را عهده دار بودند و خیلی بهتر و منظمتر از آن موقعیکه قوای مسلح جلومردم را میخواستند بگیرند شهر را اداره کردند (صحیح است) مردم باین تجیبی مردم باین شریفی چرا باید با سربازان با آنها معامله بشود ؟ این لایحه خیر تمام لایحه که راجع بحکومت نظامی هست بجز اینکه مأمورین ما همیشه مردم را خواسته اند در جامعه و در اجتماع مقصر جلوه بدهند و یا برای مقاصد و دشان بخواهند ارامه بدهند و یا ایجاد بکنند حکومت نظامی هیچ نفع دیگری ندارد بنده خیر دارم که خود رؤسای قشونی اسلحه به مردم می دادند که ایجاد ناامنی بکنند بعد اختیار و اعتبار از مرگ بگیرند که ما میخواهیم امنیت برقرار کنیم حکومت نظامی ایجاد کنیم باین ترتیب بنده عقیده دارم این لایحه باید بکلی از دستور خارج شود و سایر لایحه ها هم از دستور خارج شود مالاژم نداریم این را .
نایب رئیس - طبق نظامنامه پیشنهاد خروج از دستور نمی شود باید پیشنهاد مسکوت گذاشتن داده شود یا موقت یادائم .
اخگر - بنده پیشنهادی تقدیم